

متن پرسش

سلام علیکم: ۱. اینکه آیت الله میرباقری می فرمایند قبل از اینکه شاکله و چارچوب فکری فلسفی پیدا کنید به سراغ روایت بروید و کثرت تلاوت داشته باشید یعنی چه؟ آیا شما قبول دارید که برای دوری از آفت تحمیل و یا تحریف روایات بوسیله ذهن بسته شده با ادبیات تخصصی مثل فلسفه باید ابتدائاً سراغ خود روایات رفت و سعی در فهم منظومه و ارتباط روایات داشت؟ البته ایشان سه مرحله برای خواندن روایت و یا بهتر بگوییم درایت روایت قائل هستند که مرحله اول آن انس با روایت علی الخصوص متون اصلی و معتبر مثل کافی است. ۲. ایشان در جایی می فرمایند فلسفه موجود هیچ گاه امتداد سیاسی اجتماعی... پیدا نخواهد کرد و یا به عبارتی منجر به تولید علم دینی نخواهد شد، مثلاً کشف واقع را نظریه ای بنیان برافکن در رسیدن به علم دینی می دانند. یا موارد دیگر. آیا شما این مطلب را تایید می کنید؟ ۳. جناب میر باقری می فرمایند حجت باطنی ذیل حجت ضاهری شکوفا می شود و می فهمد. عقل و نقل دو راه مجزا نیستند بلکه عقل ذیل نقل و وحی نورانی شده و حقایق را می فهمد. ایشان شانیت دادن به عقل مستقل را نوعی استکبار علی الله می دانند. لطفاً نظر خود را بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اصل حرف، حرف خوبی است که انسان بتواند در انس طولانی با روایات، متوجه روح روایات گردد. ولی تدبّر در روایات با رشد عقلی ممکن است و فلسفه یکی از انواع تعقل می باشد به همین جهت ملاحظه می کنید وقتی روایات در دست امثال علامه‌ی طباطبایی قرار می گیرد، ابعادی از آن مطرح می شود که در برخورد اولیه اصلاً به ذهن انسان نمی رسد و در عمل هم ملاحظه می کنید امثال حضرت امام و شهید مطهری که با فلسفه آشنایی داشتند، در تبیین اسلام نسبت به بقیه موفق تر بودند. و تجربه‌ی شخصی بنده نیز این را تأیید می کند. جناب آقای مهدی امام جمعه در سلسله بحث های خود که در مرکز «سُها» تحت عنوان «فلسفه‌ی اجتماعی حکمت متعالیه» <https://t.me/nedayeandishe/518> داشتند به صورت عالمانه متذکر شدند چه اندازه حکمت متعالیه در فهم آیات و روایات و در تحقق تمدن مطلوب اسلامی مؤثر می تواند باشد. موفق باشید